

تاریخچه روانکاری

روانکاری شیوه‌ایست که بوسیله آن از راه ایجاد تداعی های گوناگونی می‌توان به تحقیق در فعالیت روانی پنهانی و نا- هشیارانه افراد پرداخت. این شیوه را در ایران چندان نمی‌شناسند و جز چند کتاب و مقاله بطور پراکنده درین باب نوشته نشده ولیکن در اروپا و آمریکا بویژه در آلمان و اطریش وسعت فراوان یافته و آثار فراوانی درین رشته به وجود آمده است.

پایه و اساس روانکاری را باید در اندیشه ها و کارهای شارکو، روانپزشک فرانسوی جستجو کرد و این معنی از کارهای روانکاران امروز کاملا پیداست. شارکو را می‌توان بنیان گذار شیوه روانکاری دانست.

شارکو، نخستین کسی است که بی محابا همش را وقف مطالعه در بیماری هیستری کرد و از تهمت واقفرا نهراسید، چه در آن زمان بیماری مزبور را به حساب پستی اخلاقی می‌گذاشتند و از آن بعنوان رذالت بزرگی نکوهش می‌کردند و از این گذشته، در بطن معنای کلمه هیستری معنای جنسی و شهوانی نهفته است. وی نخستین بار، برخلاف دیگران که تنها به بیان آثار مرض در بدن بیماران می‌پرداختند، به جنبه فیزیولوژیکی امراض توجه کرد. استنباط های شارکو را دوتن از برجسته ترین شاگردانش بنام های ژانه و فروید بسط دادند و کامل کردند. ژانه که پزشک مجرب کارآموده‌ای بود، توضیحات دلکش و تحسین آمیزی از حالات روانی بدست داده و در بررسی خود در باب خودکاری روانی

(۱) La Psychanalyse et les nevroses par Dr laforyue
Et Dr allendy.

موضوع **ناهشیاری** را مطمح نظر قرار داده است. زیگموند فروید، پس از آنکه دو سال برهبری شارکو و برنهایم در فرانسه کار کرد، هم مین وینی خود ژوزف بروئر را بر آن داشت که کارهای شارکو را دنبال کند؛ با او کار کرد و استنباط های خویش را وسعت بخشید و بعد برای اینکه روش شخصی خود را تعقیب کند، از او جدا شد و روش یا سیستم وی همان شیوه روانکاویست به معنای امروز آن.

بی گمان بسال ۱۹۱۲، ژانه خود را حریف سر سخت روانکاوی نشان داده است اما این نکته کتمان نا پذیر است که میان او و فروید از لحاظ علمی قرابتی وجود دارد و روش های دوگانه آنها از سر چشمه مشترکی منشعب شده است. وانگهی، در طی دهه سالی که سپری شد، افکار و اندیشه های ژانه تحول پذیرفت و بسوی استنباطی کمتر از استنباط پیشین او در قطب مخالف روانکاوی واقع بود. (کتاب **مداوا های روانی اثر ژانه** ص ۲۶۸ ج ۰ دوم مراجعه فرمایید.)

با روانکاوی می توان بی آنکه دروغهای احتمالی بیمار اثری داشته باشد به پشت پرده پندار و گفتار و کردارش پی برد. پس وقتی که از روانکاوی سخن در میان است باید شیوه روانکاوی را از کشفیاتی که بمدد آن بدست می آید ممتاز ساخت.

فروید کسی است که فن روانکاوی را پرداخت کرد و آماده ساخت و برای رخنه کردن در دنیای ناهشیاری چون اسلاف خود، به خواب مصنوعی متوسل شد زیرا که آنرا نزد پاره ای از بیماران روانی عملی ندید و از همینجا از بروئر جدا شد و برخلاف گفته وی، گفت که عالم هشیاری واجد فعالیت است که بنا بر آن می تواند تأثیرات نا مطبوع را بعالم نا هشیاری عقب براند و بعد این نکته را افزود که تأثیر مقتضیات و پس راندگی **Refoulement** در مورد بیماران عصبی مهمتر از هر شرط دیگریست و مخصوصا مساله امور جنسی را به تفصیل مطرح ساخت و نشان داد که مدیر کارها و خواهشها و آرزو های ماهمانا غرایز جنسی ماست.

وقتی که فروید مساله امور جنسی را چنانکه گذشت، پیش کشید، عده زیادی علم مخالفت با او را بر افراشتند و او در دفاع از خویش گفت که نظریه جنسی وی محصول خیال نیست

بلکه مستقیماً از بررسی عقاید سه روانشناس بزرگ بدو الهام شده است .

بروئر ، در طی بحثی با او در خصوص بیماری عصبی روزی عبارت ذیل را گفته بود : « این نوع بیماری ها همواره با اسرار خوابگاه مربوطست . » **شارکو** ، در ضمن گفت و شنودی با **بروآردل** در خصوص بیماری هیستری چنین گفته بود که : « در چنین مواردی همواره مسأله تناسلی است که وارد بحث میشود . »

شروبالک استاد وینی در طی معاینه یکی از بیماران فروید که بمرض ترس موهوم **Phobie** مبتلی بود ، چنین قضاوت کرده بود که : « اختلال های روانی این بیمار از آنجا ناشی می شود که وی در طی هژده سال زناشویی خود دوشیزه مانده است . »

گوته هم در نمایشنامه معروف خود ، **فاوست** ، بهمین موضوع اشاره کرده است . می توان اضافه کرد که تمام روانپزشکان و متخصصان روشن بین اعصاب این اهمیت اساسی مسأله جنسی را در یافته اند حتی در معنای بسیار محدود آن که همان موضوع تناسلی باشد ، و برای این ادعا دلیلی روشن تر از این جمله رسای پروفیسور **دژدین** و **ا . گوکلر** که بسال ۱۹۱۱ نوشته شده است ، نداریم : « بنظر می رسد عمل تناسلی که رویهمرفته عملی مهم است و کار تولید مثل و بقاء نوع بدان وابسته است و در تعریف به عمل غریزی معروف است با شخصیت فرد رابطه مستقیم دارد و اختلال در وضع آن در شخصیت منعکس می شود و دیگر نیازی به سفارش نیست که در طی معاینه و معالجه بیماران عصبی باید به این عمل جنسی توجه کامل کرد . »

از طرف دیگر ، موضوع پس رانده شدگی تأثیرات نامطبوع که فروید خود را مبتکر آن تصور می کرد بصراحت چنانکه خود نیز بعداً بدان توجه کرد ، در آثار **شوپنهاور** به چشم می خورد .

بالاخره موضوع تعبیر رؤیا که فروید مقارن سال ۱۸۹۶ همش را صرف آن کرد ، با تحقیقات **شتکل** و **سیلبرر** و **رانک** و غیره راه کمال پیمود و می توان گفت که فروید بدون آنکه ملهم یا متعصب باشد با عدم اطلاع از جنبه عمیقاً ابتکاری کشفیاتش ، مشغول به کار شد و در وهله نخست عواقب دهشت انگیز آنرا نیز پیش بینی نکرده بود .

با این حال فروید در مجمع اعصاب شناسان وین بامخالفت موحشی روبرو شد و روزنامه ها از درج مقالاتش خودداری کردند و باو تهمت زدند تا آنجا که خود انتشار آثارش را بتأخیر انداخت بطوریکه مثلاً کتاب **تعبیر رؤیای وی** که در سال ۱۸۹۶ نوشته شده بود در سال ۱۹۰۰ منتشر گردید .

در سال ۱۹۰۲ ، وضع مزبور عوض شد و چند نفر پزشک جوان گرد او جمع آمدند تا فن روانکاوی را بیاموزند و عمل کنند و بسط دهند . یکی ازین گروه که شخصاً ازین شیوه برخوردار شده بود ، انجمن هایی برقرار ساخت که دانشجویان روانشناسی و فلسفه در آن شرکت می کردند و از میان این عده **رانک** را می توان نام برد که در حلقه نزدیک ترین دوستان **فروید** در آمد . بدینمنوال مجمع روانکاوان وین بوجود آمد روانکاوی ازین جهت که منحصرآ باروان و امور وابسته بدان مربوطست دیری نپایید که مورد توجه هنرمندان و نویسندگان قرار گرفت بدین ترتیب معروف ترین روانکاوان از جماعت غیر پزشک پدید آمد که از آن میان می توان **رانک** و **رایک** و **ساکس** Sachs و خانم **سوکولینکا** را که جملگی روانشناس بودند و بهمیزان وسیعی به توسعه شیوه مزبور کمک کردند ، نام برد . بعلاوه روانکاوی واجد قلمروی آنچنان وسیع است که موجب تحقیقاتی در زمینه های غیر پزشکی هم می شود؛ چه این روش در همه جا مورد استعمال دارد .

همان سال ، **بلولر** ، پروفیسور روانپزشکی در شهر زوریخ شروع کرد باینکه از فن روانکاوی برای معالجه استفاده کند و **یونگ** کتابی انتشار داد و در ضمن آن به تعبیر رؤیا اشاره کرد . به سال ۱۹۰۸ مؤلفان مزبور با گروه وین در سالتزبورگ ملاقات کردند تا ترتیب تأسیس مجله ای را بدهند که در واقع ناشر اطلاعاتی در زمینه روانکاوی باشد : این مجله تأسیس شد و **بلولر** و **فروید** با همکاری **یونگ** آنرا اداره کردند . آنگاه **بلولر** که عادت کرده بود باینکه با شاگردانش انجمن هایی تشکیل بدهد و در باب روانکاوی به گفت و شنید پردازد ، در زوریخ مجمعی تشکیل داد و آثار پر سر و صدایی در خصوص دیوانگی زودرس و عالم خیالی آن یا جنون جوانی یا شیزوفرنی (**بلولر** ۱۹۱۱) منتشر ساخت . البته اختلافاتی هم بین دو گروه وین و زوریخ وجود داشت ، **یونگ** ، از

طرف خود، عقاید شخصی خویش را شرح و بسط داد اما اصول اساسی فرویدیسلم که مورد توافق هردو گروه بود آنچنان در دنیای متمدن رخنه کرد که **هاولوک ایس** در ضمن گزارش خود بمجمع استرالیایی، بسال ۱۹۱۱ چنین می نویسد: «روانکاوی فروید امروز عالمگیر شده است و نه همان در استرالیا و سویس نشر یافته بلکه در امریکا و انگلستان و هندوستان و کانادا و حتی در استرالیا نیز بسط یافته است.»

در سال ۱۹۰۱، **شتانلی هال**، رئیس دانشگاه کلار که در وورسستر از فروید و یونگ دعوت کرد تا به امریکا بروند و روانکاوی را در آنجا بیان کنند و در تعقیب تعلیمات اینان، **ج. پوتنام**، استاد عصب شناسی در دانشگاه **هاروارد** شیوه جدید را بکار برد و بعنوان طرفدار سرسختی از آن به دفاع و جانبداری برخاست. سپس **بریل و جونز** در انگلستان و **وان امدن و اوفوایس و وان روترگم** و دو برادر **شتارکه** در هلند و **پ. بژد و ا. ام. اف ژورستام و ار. ووگت** در سوئد و **فرنچی** و گروه او در مجارستان و غیره و **آیتینگتون و ابراهام** در برلن پیدا شدند و دو نفر اخیر که از جمله همکاران بلولر بودند، درمانگاهی باز کردند.

و اما کشور فرانسه از دو لحاظ آماده پذیرائی از فن جدید بود، یکی بسبب وجود آثار **شارکو** و دیگر از جنبه فلسفی، نزدیک بیست سال پیش **هائری برگسن** نوشته بود که: «بررسی دنیای ناهشیاری و کاوش کردن در زیر زمین خانه ذهن با روش های مخصوصا مناسب همانا رسالت اصلی روانشناسی در قرن بیستم است. شکی ندارم که با اکتشافات جدید بدین مقصد توان رسید و کار مطالعات روانی به همانجا خواهد رسید که علوم فیزیکی و طبیعی پیشتر رسیده است.»

هسنار، استاد مدرسه پزشکی نوال بورد و در کتابی که باتفاق استادش **رژی** نشر داده نخستین کسی است که توجه مردم فرانسه را به موضوع روانکاوی جلب کرد و نتایج آنرا بر شمرد.

ر. دوسوسور و ش. بودوان خیلی خوب فن مزبور را در انتشارات خویش شرح دادند. با این حال فرانسه تا کنون کمتر از کشورهای دیگر با اصول روانکاوی تسلیم شده است. ترجمه هائی از آثار فروید به تازگی نشر یافته است که از اهم آنها کتاب تعبیر

رؤیای فروید است . درینجا باید از کارهای مینکوسکی که در مجله آنسفال منتشر شده (۱۹۲۳ ، ۱۹۲۲ ، ۱۹۲۱) و مجله روانشناسی (شماره ۶ سال ۱۹۲۳) سالنامه های پزشکی - روانشناسی (شماره ۲ سال ۱۹۲۳) که مخصوصا در باره جنون جوانی داد سخن داده است نام برد .

در آخرین مجمع بزاسون (سپتامبر سال ۱۹۲۳) حمله های شدیدی به روانکاوی شد و یکی از ناطقان بعنوان اینکه روانکاوی محصول محققان اطریشی است خواست آنرا مطرود سازد ، باو تذکر دادند که در آغاز اطریش هم به دلیل اینکه روانکاوی ابتکار یکنفر یهودی است ، خواسته بود آنرا طرد کند . هنوز هم در فرانسه هستند کسانی که چون آنرا محصول فکر فرانسوی نمی دانند با انتشار آن موافق نیستند چنانکه در مورد انشتاین نیز چنین وضعی پیش آمده بود .

در چنین مقتضیاتی پروفیسور کلود قد برافراشت و در ضمن درس خود در دانشکده (مه ۱۹۲۳) از روانکاوی سخن به میان کشید و بالصراحه گفت که : «عده زیادی در فرانسه از روانکاوی دم می زنند ، اما آنهایی که باین فن آشنا هستند ، نادرند . در برابر نا-رسائی وسایل تداوی ما در موارد بسیار از خود می پرسیم آیا وقت آن نرسیده است که به وسایل دیگری غیر از آنچه تاکنون بوده است متشبث شویم ؟ این بود که بخود زحمت دادم و به منابع اصلی مراجعه کردم و تا آنجا که دستم می رسید در روانکاوی تحقیق کردم و در مواردی که شیوه مزبور در معالجه موثر بوده است ، بطور عینی نظر کردم . »

از آن پس ، در فرصتهای متعدد دیگری هم استاد کلود در خصوص ارزش تداوی شیوه روانکاوی پافشاری کرده و گفته است که با شیوه روانکاوی بسیاری از اختلال های روانی از قبیل انواع و اقسام وسوسه ها و ترس های بی پایه و هذیان ها و تفکیک های شخصیت که ممکن بود سر انجام به دیوانگی های واقعی از نوع شیزوفرنی (جنون جوانی) منجر گردد ، قابل معالجه است . و اگر فن مزبور ازین لحاظ که اهمیت خارق العاده ای برای امور جنسی قایل است ، سرزنش کردنی باشد ، از سایر جهات بسیار قابل ستایش و استفاده است . وی نشان داده است که فن مزبور در

میانۀ وسایل مناسب برای تحقیقات روانی اهمیت شایانی دارد . بالاخره آقای کلود و شاگردانش در طی سلسله‌ای از کتابهای خود (۱۹۲۳) در باب تجزیه شدن فعالیت روانی و شخصیت (حالات مربوط به جنون جوانی) روی هذیانهای مربوط به خیالبافی و ساختمان مرضی این دنیا های خیالی که با منظور و مطلوب ما رابطه نزدیکی دارد پافشاری کرده‌اند .

کارهای تازه **بورل و سلیه و روبن** و بالاخره **تارگولا** نیز درین مقام قابل ذکر است دکتر **تولوز** ، با کارهای بسیار برجسته خویش ، همواره توجه پزشکان را به مسائلی معطوف کرده است که از اهم موضوعات مربوط به شیوه روانکاویست . و دکتر **هویر** ، در فرصتهای متعدد ، استنباط های فرویدی را با کوشش های فراوانی عرضه کرده است . البته درین کار تنها نبوده و **بروسو و کوده و پیشون** هم در طی آثار خود از روانکاوی فروید پشتیبانی کرده‌اند .

باری پیش از آنکه فرانسه ازین شیوه سر در بیاورد ، شیوه مزبور در کشورهای دیگر راه تحول می‌پیمود و مورد گفت و شنید موافق و مخالف واقع میشد . در انجمن روانپزشکی که به سال ۱۹۱۰ در نورنبرگ تشکیل شده بود ، **یونگ و بلولر** ، از طرفی ، و **آدلر و شتکل** ، از طرف دیگر ، از فروید و حلقه همراهان او جدا شدند و برای مقابله با فروید مجله ای برقرار ساختند و در ۱۹۱۳ ، روانکاوان به هشت گروه منشعب شدند : انجمن روانکاوان نیویورک به ریاست بریل ، انجمن روانکاوان آمریکا به ریاست پوتنام ، و گروه انگلیسی به ریاست جونز ، و گروه مجارستانی به ریاست فرنچی و غیره .

مطبوعات هم در انتشار شیوه روانکاوی سهم مؤثری دارد . و از اهم آنها مجلاتی است که از ۱۹۰۷ چه توسط شخص فروید و چه بوسیله یاران و همفکران او در اروپا و آمریکا به زبان های فرانسه و آلمانی و انگلیسی نشر یافته است .

نکته قابل توجه اینست که دایره بررسی های مربوط روانکاوی روز به روز گشاده تر می‌گردد بطوریکه خیلی زود توانستند ازین شیوه ، نه همان برای رفع اختلال های روانی بیماران استمداد کنند بلکه از آن برای بررسی چگونگی نفسانیات افراد سالم و طبیعی استفاده کنند و انواع و اقسام فراموشی ها و سهو های لفظی و

قلمی و سایر جزئیات زندگانی روزانه را تعطیل نمایند . در مثل رؤیا از هر جهت مطمح نظر واقع گردید و پس از بررسی آن ، محققان متوجه قصص و اساطیر شدند و **یونگ** و **ریکلین** درکشف معانی روانی آن کوشیدند و **رانک** نیز ، بعداً ، بررسی های آنها را درین زمینه تکمیل کرد ، جونز و شتورفر هم در اصل مذاهب و چگونگی به وجود آمدن آن از لحاظ روانکاوی ، تفحص کردند . و یونگ ، بنحوی مؤثر نشان داده است که بین جنون جوانی و توحش قرابتی وجود دارد و دانشمندان سر انجام توانستند مخلوقات هنری و ادبی هنرمندان را نیز مشمول بررسی از راه روانکاوی بکنند . سخن کوتاه ، شناخت عالم ناهشیاری افق های جدیدی در زمینه های متعدد باز کرده است .

در خصوص تمام رشته های سابق الذکر نوشته های جالبی وجود دارد ، به سال ۱۹۲۱ کتابی نشر یافت که در واقع فهرست کتابهای مربوط به روانکاوی بوده و نزدیک چهارصد صحیفه داشته است . و از همینجا می توان به عظمت کارهایی که درین شعبه انجام گرفته است پی برد .

از آنچه گذشت نتایج زیر گرفته می شود :

اول : روانکاوی محصول خیالبافیهای فرد موهوم پرستی نیست بلکه محصول نشو و نمای منطقی اندیشه های پیشینیان و بویژه اندیشه های **سارکو** می باشد .

دوم : شیوه مزبور بسرعت از هر نشو بسط یافت و همواره بر عده طرفداران آن افزوده میشود .

سوم : دایره اشتمال آن وسیع است و در موارد متفاوت قابل تطبیق و استفاده است .

ایرج پور باقر